

مقاله پژوهشی: متغیرهای جمعیتی مؤثر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محمدباقر خرمشاد^۱، مسعود آقامحمدی^۲، سعید بابایی^۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۴/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۲۴

چکیده

علی‌رغم اینکه رابطه جمعیت و امنیت ملی یک رابطه دوسویه و متقابل می‌باشد؛ اما تغییرات جمعیتی نقش بسیار مؤثرتری در مسائل امنیتی دارد. تغییرات جمعیتی با تأثیرگذاری بر مسائل فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشورها، تأثیر تعیین‌کننده‌ای بر امنیت ملی دارد. جمعیت از منظر کمی و کیفی در کلیه مؤلفه‌های امنیت ملی جوامع مؤثر است. الگوی تراکم و توزیع جغرافیایی جمعیت، ترکیب سنی و ساختار جمعیتی، نسبت قومیتی و مذهبی در شهرهای مختلف، مرزنشینی و مرکز نشینی، مهاجرت‌های داخلی و خارجی، از جمله مقولاتی است که مفاهیم راهبردی جمعیت و امنیت ملی را به یکدیگر گره زده است. پژوهش حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای بوده و با روش توصیفی-پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش متشکل از ۳۰ نفر از خبرگان حوزه امنیت ملی و جمعیت به صورت هدفمند انتخاب شده‌اند. همچنین داده‌ها با استفاده از پرسشنامه محقق‌ساخته، پایایی با روش آلفای کرونباخ ۹۹ درصد مورد تأیید قرار گرفت. اطلاعات حاصل از طریق نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. با توجه به آنکه در این پژوهش با دو دسته از داده‌های پارامتری و ناپارامتری مواجه بودیم، جهت دستیابی به نتایج مطلوب برای داده‌های پارامتری از روش میانگین و برای داده‌های ناپارامتری از آزمون Friedman استفاده شده است. در این پژوهش در حوزه متغیرهای کمی: رشد جمعیت، ترکیب دینی و مذهبی جمعیت و ترکیب قومی و زبانی جمعیت، به ترتیب بیشترین امتیاز و در متغیرهای کیفی: تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان، بصیرت و ارزش‌های فرهنگی جمعیت، به ترتیب بیشترین تأثیر را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته است.

کلید واژه‌ها: جمعیت، شاخص‌های جمعیتی، قدرت، امنیت، امنیت ملی.

۱. عضو هیئت علمی و استاد تمام دانشگاه علامه طباطبایی.

۲. دانشجوی دکتری رشته مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، نویسنده مسئول m.agma10@gmail.com.

۳. دانشجوی دکتری رشته مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی.

مقدمه

جمعیت به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی قدرت و اقتدار ملی ارتباط عمیقی با امنیت ملی دارد. رابطه جمعیت و امنیت در حالت سنتی قطعی و خطی بوده و فزونی جمعیت، امنیت کشور را تأمین می‌کند. ولی امروزه با مطرح شدن فناوری، مدیریت، بهره‌وری، تخصص و ... علاوه بر ابعاد کمی جمعیت، متغیرهای کیفی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ بنابراین جمعیتی عامل امنیت است که باسواد، خلاق، متخصص، بافرهنگ، وظیفه‌شناس و... باشد. مقام معظم رهبری جمعیت را ستون و پایه اصلی اقتدار و دفاع از نظام ج.ا.ایران دانسته‌اند و می‌فرمایند: «امروز علاوه بر این نعمت‌ها، یک نعمت بزرگ دیگر هم خدای متعال به این ملت داده است و آن، کثرت جوانان این کشور است. اکثر جمعیت این کشور جوانند...؛ یعنی کسانی که یا همین حالا می‌توانند از آب و خاکشان دفاع کنند، یا به مرور در چند سال آینده به‌صورت یک نیروی مدافع و سرسخت، از این کشور و از این نظام درمی‌آیند. چنین کشوری، از هیچ تجاوز بیگانه‌ای نمی‌ترسد و نباید بترسد؛ از هیچ عقب‌ماندگی‌ای نباید واهمه داشته باشد و نسبت به هیچ آینده‌ای نباید ناامید باشد» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۷۶/۷/۵) در مباحث ژئوپلیتیکی، جمعیت یکی از عوامل اصلی در بررسی جایگاه کشور به شمار می‌رود. در اندازه‌گیری قدرت یک دولت علاوه بر موقعیت، وسعت جغرافیایی، منابع قابل دسترسی، توسعه اقتصادی، تجهیزات و فناوری‌های نظامی، وضعیت دیپلماتیک و نفوذ در مجامع بین‌المللی، هویت و فرهنگ ملی کشور، اندازه و ساختار جمعیت آن کشور، مؤلفه‌ای بنیادی دانسته می‌شود (متقی، ۱۳۹۴: ۵۶۱). امنیت ملی هر کشوری در گرو قدرتمندی آن است و به‌ویژه به نیروی انسانی آگاه و کارساز آن مربوط است که با مدیریت صحیح، از محیط و جمعیت، بهره‌مندی و بهره‌وری درست و گسترده به عمل آورد. امروزه قدرت واقعی که بتواند امنیت‌ساز و تأمین‌کننده باشد، هنگامی محقق می‌شود که علاوه بر متناسب بودن تعداد جمعیت با وسعت کشور، آن جمعیت دارای اندیشه بوده و از مهارت، آموزش و تعالی فکری برخوردار باشد؛ یعنی افزون بر کمیت لازم، کیفیت مطلوب نیز داشته باشد. مسائل بالفعل و بالقوه ناشی از نقص در کمیت و کیفیت جمعیت موجب تضعیف اقتدار و امنیت ملی می‌گردد. رهبر معظم انقلاب در خصوص اهمیت

موضوع جمعیت می‌فرماید: «یکی از خطراتی که وقتی انسان درست به عمق آن فکر می‌کند، تن او می‌لرزد، این مسئله جمعیت است... مسئله جمعیت را جدی بگیرید؛ جمعیت جوان کشور دارد کاهش پیدا می‌کند. یک جایی خواهیم رسید که دیگر قابل علاج نیست؛ یعنی مسئله جمعیت از آن مسائلی نیست که بگوییم حالا ده سال دیگر فکر می‌کنیم؛ نه اگر چند سال بگذرد، وقتی نسل‌ها پیر شدند، دیگر قابل علاج نیست» (بیانات مقام معظم رهبری - ۹۲/۹/۱۹).

به‌طور کلی می‌توان گفت که به دلایل فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و بروز جنگ و حوادث و غیره، ترکیب بهینه جمعیتی همواره در معرض خروج از حالت تعادل و پویایی است؛ عامل جمعیت با توجه به مختصات ملی، ویژگی‌های اجتماعی و درجه تحول آن در ارزیابی امنیت و قدرت ملی کشورها بسیار مؤثر است؛ بنابراین شناخت مسائل جمعیتی، یکی از مهم‌ترین ابزارهای برنامه‌ریزی کلان کشور در راستای تأمین امنیت ملی است. برنامه‌ریزی بر مبنای تحولات مربوط به جمعیت در حوزه‌های کمی و کیفی؛ یعنی پیش‌اندیشیدن، تجسم کردن یا طراحی وضعیت مطلوب آینده، یافتن و ساختن راه‌ها و وسایلی که رسیدن به آن را فراهم سازد، در جهت ارتقای قدرت و امنیت ملی بسیار مؤثر است. بر همین اساس اهمیت انجام این پژوهش دوچندان می‌شود. از سوی دیگر ترکیب و ویژگی‌های کمی و کیفی جمعیت در موقعیت دولت در عرصه داخلی و خارجی و ایفای نقش مؤثر یا غیر مؤثر آن در سطح بین‌الملل بسیار تعیین‌کننده است؛ به‌صورتی که کم و کیف جمعیت لازم و ملزوم یکدیگر می‌باشند. عدم شناخت و اشرافیت بر این حوزه نیز می‌تواند کشورها را با چالش‌های امنیتی و همچنین انحراف در راهبردها و سیاست‌گذاری‌های کلان جمعیتی مواجه نماید که ضرورت انجام این تحقیق را نشان می‌دهد. همچنین در این پژوهش به دنبال اثبات این فرضیه هستیم که شاخص‌های جمعیتی، رابطه معناداری با امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارند.

پیشینه‌شناسی و مبانی نظری تحقیق

پیشینه تحقیق

بررسی پژوهش‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که تحقیق مستقلی با عنوان «شاخص‌های جمعیتی مؤثر در امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران» انجام نشده است ولی برخی از تحقیقات صورت گرفته، به بعضی از مؤلفه‌ها و متغیرهای مرتبط با موضوع تحقیق اشاره داشته‌اند که عبارت‌اند از:

۱. نویسنده مقاله «نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران» با مروری بر رابطه میان جمعیت و اقتدار (سیاسی، اقتصادی و ملی)، تحولات و تغییرات جمعیتی در کشورهای توسعه‌یافته غربی و چالش‌های ناشی از میزان باروری زیر حد جانشینی و پیر شدن جمعیت در این جوامع و مشکلات ناشی از آن و نیز سیاست‌های جمعیتی باروری در ایران را بررسی نموده است (علی، ۱۳۹۴: ۱۰۸).

۲. نویسندگان مقاله «بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، با استفاده از رویکرد سازه‌نگاری، میزان انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی ایران را بررسی کرده‌اند. بر اساس این مقاله عوامل اجتماعی و فرهنگی در بین عوامل قدرت، بزرگ‌ترین نقش را در جهت نیل به امنیت ملی ایفا می‌نمایند و نقش‌آفرینی سایر عوامل را تحت تأثیر قرار می‌دهند. این عوامل در همه جوامع تعیین‌کننده بوده و عملکردهای متفاوتی از خود بروز می‌دهند (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱، ۷۳).

۳. سید ابراهیم قلی‌زاده در مقاله «تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن» ضمن تبیین و بررسی پیامدهای امنیتی احتمالی تغییر سیاست جمعیتی، نتیجه می‌گیرد که در شرایط کنونی کشور هیچ‌گونه ضرورتی برای تغییر سیاست جمعیتی قبلی وجود ندارد و در صورت تغییر، پیامدهای امنیتی در پی خواهد داشت که در رأس آن وابستگی هرچه بیشتر کشور به استکبار جهانی است (قلی‌زاده، ۱۳۸۹).

مبانی نظری

جمعیت

واژه جمعیت^۱ در لغت به معنی تمام افرادی است که در یک ناحیه جغرافیایی اعم از شهر یا روستا زندگی می‌کنند. در جمعیت‌شناسی، تمام یا بخشی از ساکنان یک ناحیه را جمعیت می‌گویند. در اصطلاح به کلیه کسانی که به‌طور مستمر در یک واحد جغرافیایی (کشور، استان، شهرستان، شهر یا روستا) به‌صورت خانوار و خانواده زندگی می‌کنند، جمعیت گفته می‌شود (تقوی، ۱۳۹۵: ۳).

عوامل مؤثر بر جمعیت

الف. باروری و موالید: در بحث موالید، «تعداد نوزادان زنده به دنیا آمده در مقطعی از زمان و در یک محدوده جغرافیایی» مورد نظر می‌باشد. در حالی که در باروری گروه مولد جامعه؛ یعنی زنان در سنین باروری (معمولاً ۴۹-۱۵ ساله) که دارای حداکثر پتانسیل زاد و ولد هستند، مورد بررسی می‌باشند (حلم‌سرشت و دل‌پیشه، ۱۳۹۰، ۴۵).

ب. مرگ و میر: مهم‌ترین عواملی که در میزان مرگ و میر تأثیر می‌گذارند؛ شامل وراثت، نژاد، جنس، تغذیه و شیوه زندگی می‌باشند.

ج. مهاجرت: جمعیتی که مهاجرت (به داخل یا خارج) عامل مهمی در نوسانات تعداد جمعیت آن باشد، «جمعیت باز» نامیده می‌شود. تسهیلات حمل و نقل، ارتباطات و سیستم تجارت بین‌المللی از عوامل ایجاد جمعیت باز می‌باشند (سمعی‌نسب و ترابی، ۱۳۸۹، ۱۶۴).

د- ازدواج و طلاق: پدیده‌هایی چون ازدواج و طلاق با تأثیراتی که بر میزان زاد و ولد می‌گذارند، می‌توانند منجر به حرکات جمعیتی و نوسان در تعداد و حتی توزیع جمعیت گردند. طبیعتاً جامعه‌ای که در آن سن ازدواج پایین، دوره زندگی مشترک طولانی و میزان طلاق در حد کمی باشد، موقعیت باروری مناسب‌تر بوده و میزان زاد و ولد افزایش می‌یابد (همان: ۱۶۵).

روندها و سناریوهای پیش روی جمعیت ایران

سه سناریوی پیش‌بینی شده برای جمعیت ایران توسط بخش جمعیت سازمان ملل متحد تا افق سال ۱۴۳۰ هجری شمسی به شرح ذیل می‌باشد:

جدول (۱): مقایسه سه سناریوی (حد پایین، حد متوسط و حد بالا) سازمان ملل تا افق ۱۴۳۰ شمسی

سناریوی حد بالا				سناریوی حد متوسط				سناریوی حد پایین				دوره
میان‌سنی (سال)	میزان باروری کل (فرزند به مادر)	رشد سالانه درصد	جمعیت (میلیون)	میان‌سنی (سال)	میزان باروری کل (فرزند به مادر)	رشد سالانه (درصد)	جمعیت (میلیون)	میان‌سنی (سال)	میزان باروری کل (فرزند به مادر)	رشد سالانه (درصد)	جمعیت (میلیون)	سال
۲۲/۹	۲/۵۳	۱/۴	۷۱/۲	۲۳/۱	۲/۳۳	۱/۲۴	۷۰/۷	۲۳/۳	۱/۷۵	۱/۱	۷۰	۱۳۸۵
۲۴/۹	۲/۵۳	۱/۶۳	۷۷/۳	۲۵/۴	۲/۱۸	۱/۳۳	۷۵/۵	۲۶/۱	۱/۵۶	۱/۰۶	۷۳/۳	۱۳۹۰
۲۶/۷	۲/۵۳	۱/۹	۸۵	۲۷/۷	۲/۰۶	۱/۵	۸۱/۴	۲۸/۹	۱/۵۴	۰/۸۷	۷۷/۳	۱۳۹۵
۲۸/۵	۲/۴۵	۱/۶۳	۹۲/۲	۳۰/۱	۱/۹۵	۱/۲۷	۸۶/۷	۳۱/۸	۱/۳۶	۰/۵۸	۸۰/۸	۱۴۰۰
۳۰/۳	۲/۳۶	۱/۲۶	۹۸/۲	۳۲/۶	۱/۸۶	۰/۹۴	۹۱	۳۵	۱/۳۵	۰/۳۸	۸۲/۲	۱۴۰۵
۳۰/۹	۲/۳۵	۱/۱۱	۱۰۳/۸	۳۵	۱/۸۵	۰/۷۶	۹۴/۴	۳۸	۱/۳۵	۰/۲۳	۸۴/۷	۱۴۱۰
۳۱/۷	۲/۳۵	۱/۱۲	۱۰۹/۹	۳۶/۱	۱/۸۵	۰/۶۹	۹۷/۸	۴۱	۱/۳۵	۰/۱۱	۸۵/۷	۱۴۱۵
۳۲/۶	۲/۳۵	۱/۱۵	۱۱۶/۳	۳۷/۳	۱/۸۵	۰/۶۴	۱۰۰	۴۳/۴	۱/۳۵	-۰/۰۴	۸۶/۲	۱۴۲۰
۳۳/۷	۲/۳۵	۱/۰۶	۱۲۲/۶	۳۸/۷	۱/۸۵	۰/۵۳	۱۰۳/۶	۴۵/۴	۱/۳۵	-۰/۲۳	۸۶	۱۴۲۵
۳۵/۱	۲/۳۵	۰/۸۹	۱۲۸/۲	۴۰/۲	۱/۸۵	۰/۳۵	۱۰۵/۴	۴۷/۳	۱/۳۵	-۰/۲۳	۸۵	۱۴۳۰

Source: United Nation Population Division, (۲۰۰۴). "UN Projection Report Revised ۲۰۰۰", NewYork.

مرکز آمار ایران با در نظر گرفتن چهار حالت باروری، رشد جمعیت کل کشور را در دوره‌های پنج‌ساله تا افق ۱۴۳۰ هجری شمسی به شرح جدول زیر برآورد کرده است.

جدول (۲): پیش‌بینی رشد جمعیت ایران تا افق ۱۴۳۰ هجری شمسی با چهار فرض باروری

سال	کاهش باروری (۱/۳ فرزند)	تثبیت باروری (۱/۸ فرزند)	افزایش تا سطح جانشینی (۲/۱ فرزند)	افزایش بالاتر از سطح جانشینی (۲/۵ فرزند)
۱۳۹۵-۱۳۹۰	۱/۱۱	۱/۱۵	۱/۱۷	۱/۲۰
۱۳۹۵-۱۴۰۰	۰/۸۷	۰/۹۵	۱	۱/۰۷
۱۴۰۰-۱۴۰۵	۰/۶۱	۰/۷۱	۰/۷۹	۰/۸۸
۱۴۰۵-۱۴۱۰	۰/۴۲	۰/۵۵	۰/۶۵	۰/۷۶
۱۴۱۰-۱۴۱۵	۰/۲۸	۰/۴۵	۰/۵۸	۰/۷۲
۱۴۱۵-۱۴۲۰	۰/۱۳	۰/۳۵	۰/۵۲	۰/۷۰
۱۴۲۰-۱۴۲۵	۰/۰۶	۰/۲۱	۰/۴۲	۰/۶۵
۱۴۲۵-۱۴۳۰	۰/۳۰	۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۵۶

(تارنمای مرکز آمار ایران، ۱۳۹۴)

جمعیت از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)

مقام معظم رهبری جمعیت را ستون و پایه اصلی اقتدار و دفاع از نظام ج.ا.ایران دانسته‌اند و این گویای جایگاه مهم و تأثیرگذار جمعیت بر امنیت ملی می‌باشد. ایشان می‌فرمایند: «امروز علاوه بر این نعمت‌ها، یک نعمت بزرگ دیگر هم خدای متعال به این ملت داده است و آن، کثرت جوانان این کشور است. اکثر جمعیت این کشور جوانند...؛ یعنی کسانی که یا همین حالا می‌توانند از آب و خاکشان دفاع کنند، یا به مرور در چند سال آینده به صورت یک نیروی مدافع و سرسخت، از این کشور و از این نظام درمی‌آیند. چنین کشوری، از هیچ تجاوز بیگانه‌ای نمی‌ترسد و نباید بترسد؛ از هیچ عقب‌ماندگی‌ای نباید واهمه داشته باشد و نسبت به هیچ آینده‌ای نباید ناامید باشد» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۷۶/۷/۵). معظم‌له در خصوص تجدید نظر در سیاست تجدید نسل می‌فرمایند «ما باید در سیاست تجدید نسل تجدید نظر کنیم. سیاست تجدید نسل در یک برهه‌ای از زمان درست بود؛ یک اهدافی هم برایش معین کردند... ما در سال ۷۱ هجری شمسی به همان مقاصدی که از تجدید نسل وجود داشت، رسیدیم. از سال ۷۱ هجری شمسی به این طرف، باید سیاست را تغییر می‌دادیم؛ خطا کردیم، تغییر ندادیم. امروز باید این خطا را جبران کنیم. کشور باید نگذارد که غلبه نسل

جوان و نمای زیبایی جوانی در کشور از بین برود» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۹۱/۵/۳). مقام معظم رهبری ضمن تأکید به کثرت جمعیت می‌فرماید: «من معتقدم که کشور ما با امکاناتی که داریم، می‌تواند صد و پنجاه میلیون نفر جمعیت داشته باشد. من معتقد به کثرت جمعیتیم. هر اقدام و تدبیری که می‌خواهد برای متوقف کردن رشد جمعیت انجام بگیرد، بعد از صد و پنجاه میلیون انجام بگیرد» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۹۰/۸/۱۶). معظم له معتقد به افزایش معقول و معتدل جمعیت می‌باشند و می‌فرمایند: «جمعیت مسئله بسیار مهمی است. بلاشک از نظر سیاست کلی کشور، کشور باید برود به سمت افزایش جمعیت؛ البته به نحو معقول و معتدل» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۹۲/۸/۸). بررسی بیانات مقام معظم رهبری حاکی از آن است که از روند فعلی رشد جمعیت برای آینده کشور، احساس خطر جدی دارند و افزایش جمعیت باید متناسب با نیاز و قابلیت‌ها و سرمایه‌های مادی و معنوی کشور باشد. این همان دیدگاه طرفداران تناسب جمعیت است. از سوی دیگر، تأکید ایشان بر قدرت جوانان و ضرورت افزایش جمعیت جوان کشور حاکی از اثرگذاری این ستون قدرتمند در ارتقای قدرت و امنیت ملی برای کشور است؛ چرا که از منظر معظم له خلاقیت، نوآوری، ابتکار، عدم ترس از تهدید و میل به استقلال از سوی جوانان پررنگ‌تر از سایر اقشار است. این تأکید مبتنی بر مسئله جدی کاهش جمعیت و دشواری راه علاج برای درمان پیری در کشور و افزایش زاد و ولد با نگاه به افق آینده است.

مفهوم امنیت

واژه امنیت از واژه لاتین Sine Cura گرفته شده است که به معنی «بدون ترس» است. به همین دلیل، یک واژه انعطاف‌پذیر است، زیرا ترس می‌تواند؛ شامل ترس از تهدیدهای بزرگ علیه بشر یا مشکلات و مسائل کوچک باشد (هاگ، ۱۳۹۰: ۵۴). ویور از مکتب کپنهاک، معتقد است امنیت مفهومی نسبی است که باید به‌طور همه‌جانبه و در ابعاد مختلف آن بررسی شود (Ackleson, ۲۰۰۵: ۱۶۵). رابرت ماندل امنیت را از دو بعد عینی و ذهنی بررسی می‌نماید. در بعد عینی، امنیت به معنای نبود تهدید برای ارزش‌های کسب‌شده است و در بعد ذهنی، مشتمل است بر نبود هراس از اینکه آن ارزش‌ها مورد حمله قرار گیرند (ماندل، ۱۳۸۷: ۴). امنیت

عبارت است از: «وضعیتی که در آن منافع کشور از سوی رفتار دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشده و یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای کشور مورد نظر وجود داشته باشد» (فغانی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۶۰).

تهدیدات جمعیتی امنیت ملی

به طور خلاصه تهدیدات جمعیتی مؤثر بر امنیت ملی عبارت‌اند از:

۱. **افزایش یا کاهش جمعیت:** گاهی ممکن است بر اثر حوادث طبیعی و یا جنگ‌ها بخشی از جمعیت از بین برود. در چنین شرایطی بر هم خوردن تعادل گذشته بین هویت‌ها می‌تواند زمینه چالش‌های جدید را فراهم آورد. این امر در کشورهایی با جمعیت کم که از جهات گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به جمعیت خود وابسته هستند، مهم‌تر می‌باشند. علاوه بر این در برخی موارد به دلیل قرار گرفتن کشورهای با هویت‌های گوناگون در همسایگی یکدیگر، کاهش جمعیت یک هویت، باعث ترغیب یک هویت دیگر (کشور همسایه) به افزایش تهدیدات می‌گردد. همچنین رشد بی‌رویه جمعیت می‌تواند با کاهش منابع و افزایش معضلات فرهنگی و اجتماعی بر قدرت ملی تأثیرگذار (مینایی و زهدی، ۱۳۹۱: ۸۶).

۲. **تغییرات جنسیتی جمعیت:** در برخی از موارد به دلیل وقوع حوادث طبیعی یا اجتماعی، تغییرات جمعیتی نسبت جمعیت مرد به زن را به شدت بر هم می‌زند. به تبع این تغییر، در نوع مطالبات و رفتارهای عمومی و جمعی نیز تغییراتی حاصل می‌گردد. این تغییرات می‌توانند در برخی موارد تعادل‌های فرهنگی و اجتماعی را بر هم زنند و از این نظر بر کمیت و کیفیت قدرت فرهنگی-اجتماعی تأثیرگذار باشند (همان: ۸۷).

۳. **شکاف نسلی:** شکاف نسلی پدیده‌ای است که در هر جامعه‌ای به تناسب تغییرات اجتناب‌ناپذیر اجتماعی و فرهنگی به وقوع می‌پیوندد. در جوامع در حال گذار، ایجاد تغییرات در جنبه‌های گوناگون شبکه سنتی زندگی و رشد نهادهای تازه مدنی، باعث ظهور ارزش‌هایی متفاوت با هنجارها و باورهای سنتی در بین نسل جدید می‌گردد. چون این ارزش‌ها، سازگاری و هماهنگی چندانی با هنجارهای مورد قبول

جوامع سنتی ندارند. بنابراین حوزه ارزش‌ها به یکی از کانون‌های بی‌ثباتی و بحران تبدیل می‌شود؛ به این صورت که هرگونه شکاف ارزشی - هنجاری میان حال و گذشته باید و نبایدهای متفاوتی را فراروی نسل‌های مختلف قرار داده و گسستی ژرف را میان آنان موجب می‌شود. این امر زاییده اختلال در فرایند انتقال ارزش‌ها و هنجارها، نارسایی در فرایند اجتماعی شدن و کاهش مقبولیت و مشروعیت گروه‌های مرجع ارزشی است (دانش و همکاران، ۱۳۹۳: ۲).

۴. توسعه حاشیه‌نشینی: حاشیه‌نشینی پدیده‌ای است که به دنبال تحولات ساختاری و بروز مسائل و مشکلات اقتصادی-اجتماعی؛ مانند جریان سریع شهرنشینی و مهاجرت‌های روستایی لجام‌گسیخته در بیشتر کشورهای جهان، به‌ویژه کشورهای کمتر توسعه‌یافته پدید آمده است. فقر، عدم بهداشت، بیکاری، سطح پایین سواد، عدم مهارت و... از مشخصه‌های حاشیه‌نشینی است که موجب انحرافات و ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع می‌شود (عریضی و همکاران، ۱۳۸۳: ۱۰۳).

۵. مهاجرت: مهاجرت‌ها معمولاً در شرایط وقوع جنگ خارجی، درگیری‌های مسلحانه داخلی و وقوع حوادث و بلایای طبیعی قابل مشاهده است. چنانچه کشوری در چنین شرایطی پذیرای مهاجران زیادی باشد، هویت فرهنگی - اجتماعی خود را در معرض تهدید و خطر می‌بیند. این نوع مهاجرت ظرفیت زیادی برای افزایش تعارضات قومی - مذهبی، تأثیرگذاری بر باورها و سنت‌ها، افزایش جرائم و ناهنجاری‌ها و... دارد (مینایی و زهدی، همان: ۸۸).

۶. تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان: با توجه به اینکه نخبگان علمی، فرهنگی و سیاسی یک جامعه نقش مهمی در هویت‌سازی ایفا می‌کند؛ بنابراین دگرگونی در کمیت این جمعیت، مانند مهاجرت یا تغییرات در کیفیت آن‌ها، مانند تحصیل کردن اکثریت آن‌ها در محیط هویت‌های دیگر می‌تواند نشانه‌هایی از تهدید امنیت و هویت فرهنگی - اجتماعی در یک جامعه باشد (همان).

متغیرهای جمعیتی مؤثر در امنیت ملی

الف) متغیرهای کمی جمعیت

در بعد کمی جمعیت، هدف مطالعه تأثیر تعداد جمعیت در قدرت و امنیت ملی کشورهاست. در این زمینه، اگرچه نمی‌توان یک کشور را به علت آنکه جمعیتی بیش از سایر کشورها دارد، قوی‌ترین کشور دانست؛ اما این مسئله نیز حقیقت دارد که اگر کشوری جزء دولت‌های پرجمعیت نباشد، نمی‌تواند به قدرتی درجه‌یک تبدیل شود (مورگتا، ۱۳۹۳: ۲۲۲). در واقع، جمعیت زیاد، اعتمادبه‌نفس در داخل و ترس در خارج را به همراه دارد (روشندل، ۱۳۹۴: ۷۱).

۱- رشد جمعیت: افزایش یا کاهش جمعیت نتیجه چهار عامل مؤثر در رشد جمعیت است که بدان اجزای رشد مطلق یا رشد خام گویند. دو عامل مولید و مهاجرت به داخل باعث افزایش تعداد و رشد و دو عامل دیگر؛ یعنی مرگ و میر و مهاجرت به خارج، سبب کاهش تعداد و رشد جمعیت می‌شود (امانی، ۱۳۸۴: ۷۸). نرخ رشد جمعیت ایران در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ هجری شمسی به ۳/۱۳ درصد در سال رسید. روند افزایشی و صعودی رشد جمعیت از اواخر دهه ۱۳۴۰ هجری شمسی به دلیل اعمال برنامه‌های تنظیم خانواده متوقف شد و نرخ رشد جمعیت در دهه ۱۳۴۵-۱۳۵۵ هجری شمسی به ۲/۷۱ درصد کاهش یافت. در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ هجری شمسی نه‌تنها روند کاهشی نرخ رشد جمعیت متوقف شد، بلکه به بالاترین حد خود (۳/۹۱ درصد) در طول تاریخ تحولات جمعیتی ایران افزایش یافت. از این رو، در برنامه اول توسعه اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۷۲ هـ.ش) تعدیل رشد جمعیت در دستور کار قرار گرفت و دوباره برنامه تنظیم خانواده در ایران به اجرا گذاشته شد و میزان رشد سالانه جمعیت به ۱/۹۶ درصد در دهه ۱۳۶۵-۱۳۷۵ هجری شمسی و ۱/۶۱ درصد در دهه ۱۳۸۵-۱۳۷۵ هجری شمسی کاهش یافت. کاهش نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ هجری شمسی تداوم و به حدود ۱/۲۹ درصد رسید (صادقی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). این رقم در سرشماری ۱۳۹۵ هجری شمسی به ۱/۲۴ درصد کاهش یافته بود.

جدول (۳)- نرخ رشد سالانه جمعیت ایران در فاصله سرشماری‌های ۱۳۳۵-۱۳۹۵ هجری شمسی

کل	روستایی	شهری	دوره
۳/۱۳	۲/۳	۵/۰۲	۱۳۳۵-۴۵
۲/۷۱	۱/۱۱	۴/۹۳	۱۳۴۵-۵۵
۳/۹۱	۲/۳۹	۵/۴۱	۱۳۵۵-۶۵
۱/۹۶	۰/۶۴	۲/۹۵	۱۳۶۵-۷۵
۱/۶۱	-۰/۴۴	۲/۷۴	۱۳۷۵-۸۵
۱/۲۹	-۰/۶۳	۲/۱۴	۱۳۸۵-۹۰
۱/۲۴	-۰/۷۳	۱/۹۷	۱۳۹۰-۹۵

تارنمای مرکز آمار ایران-۱۳۹۵

باید به این نکته توجه داشت که کاهش شدید نرخ رشد جمعیت از ۹/۱۳ درصد در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی به ۲۴/۱ درصد در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی و سقوط نرخ باروری از ۴/۶ فرزند برای هر زن در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی به ۷/۱ فرزند در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی، نشان می‌دهد که ایران در شرایط هشدار جمعیتی قرار گرفته است و با ادامه روند کنونی به‌زودی به مرحله بحران جمعیتی وارد خواهیم شد.

۲. ترکیب جنسی: نسبت جنسی، تعداد زنان در مقابل هر صد نفر مرد را منعکس می‌کند که در کشورهای مختلف بین ۹۰ تا ۱۱۰ تفاوت می‌کند. سهم زنان از جمعیت سرشماری‌شده در ایران در طی سه سرشماری اول (۱۳۳۵-۱۳۵۵ هـ.ش) کاهش یافته و از ۴۸/۴۳ درصد به ۴۷/۷ درصد رسیده بود؛ اما این نسبت در سرشماری‌های بعد از انقلاب از ۴۷/۷ در ۱۳۶۵ هجری شمسی به ۴۹/۵۶ درصد در سال ۱۳۹۰ هجری شمسی رسیده است. در نتیجه این تغییرات، نسبت جنسی (نسبت مردان به زنان) نیز تغییر کرده و از ۱۰۶ در ۱۳۵۵ هجری شمسی به ۱۰۳/۶ در ۱۳۸۵ هجری شمسی و ۱۰۱/۷۸ در ۱۳۹۰ هجری شمسی کاهش یافته است (مه‌ریار، ۱۳۹۳: ۳۱).

جدول (۴)-نسبت جنسی به تفکیک شهری و روستایی

نسبت جنسی	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰	۱۳۹۵
شهری	۱۰۷	۱۰۹	۱۱۰	۱۰۶	۱۰۷	۱۰۴	۱۰۴	۱۰۲	--
روستایی	۱۰۲	۱۰۷	۱۰۳	۱۰۳	۱۰۶	۱۰۲	۱۰۳	۱۰۲	--
کل کشور	۱۰۴	۱۰۷	۱۰۶	۱۰۵	۱۰۶	۱۰۳	۱۰۴	۱۰۲	۱۰۳

تارنمای مرکز آمار ایران-۱۳۹۵

۳. ترکیب سنی: جمعیت هر کشور یا مکان جغرافیایی بر اساس گروه‌های سنی پنج‌ساله تقسیم‌بندی و طبقه‌بندی می‌شود. بر این اساس گروه‌های سنی بین ۱۵ تا ۳۰ ساله منعکس‌کننده تعداد و ظرفیت جوانان کشور می‌باشند. این محدوده سنی، پتانسیل تولید نیروی دفاعی کشور را به صورت رسمی، احتیاط، ذخیره و شبه‌نظامی و غیره منعکس می‌کند. همچنین بیانگر ظرفیت قابل ورود به عرصه کار و تولید اقتصادی می‌باشند؛ بنابراین تأثیرات متفاوتی بر قدرت ملی از خود به جای می‌گذارند.

جدول (۵)- جمعیت ایران برحسب گروه‌های سنی پنج‌ساله در سرشماری‌های مختلف

گروه سنی	۱۵-۱۹	۲۰-۲۴	۲۵-۲۹	۳۰-۳۴	۳۵-۳۹	۴۰-۴۴	۴۵-۴۹
۱۳۶۵	۵۱۹۲۲۰۲	۴۱۹۳۷۲۴	۳۶۵۲۲۹۷	۲۹۲۷۹۸۳	۲۱۱۷۲۱۱	۱۶۵۵۳۵۱	۱۵۸۵۳۹۸
۱۳۷۰	۵۹۰۸۹۰۳	۴۹۴۷۲۶۰	۴۰۰۵۲۷۸	۳۵۰۴۲۲۰	۲۸۶۶۶۶۹	۲۰۳۷۴۷۷	۱۵۷۷۹۸۳
۱۳۷۵	۷۱۱۵۵۴۷	۵۲۲۱۹۸۲	۴۷۰۹۱۵۴	۳۹۸۰۰۶۶	۳۵۷۱۷۷۹	۲۸۱۲۰۸۶	۲۰۱۳۰۴۰
۱۳۸۵	۸۷۲۶۷۶۱	۹۰۱۱۴۲۲	۷۲۲۴۹۵۲	۵۵۵۳۵۳۱	۴۹۲۱۱۲۴	۴۰۸۹۱۵۸	۳۵۲۲۷۶۱
۱۳۹۰	۶۶۰۷۰۴۳	۸۴۱۴۴۹۷	۸۶۷۲۶۵۴	۶۹۷۱۹۲۴	۵۵۷۱۰۱۸	۴۹۰۶۷۴۹	۴۰۳۰۴۸۱
۱۳۹۵	۵۴۵۸۹۹۷	۶۳۹۲۸۷۹	۸۲۰۱۱۳۳	۸۶۰۰۹۱۳	۷۰۳۷۵۹۸	۵۵۱۸۳۰۷	۴۸۳۳۱۲۳

تارنمای مرکز آمار ایران-۱۳۹۵

تغییر ساختار سنی بر میانگین سنی جمعیت اثر گذاشته و باعث شده است میانگین سنی جمعیت ایران که در سرشماری ۱۳۶۵ هجری شمسی به ۲۱/۷ سال تقلیل یافته بود به سرعت رو به افزایش گذاشته و در سرشماری‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ هجری شمسی به ترتیب به ۲۴/۰۳ و ۲۷/۹۹ سال برسد. تغییرات مشابهی در میانه سنی جمعیت رخ داده و

این شاخص که در فاصله ۱۳۳۵ و ۱۳۶۵ هجری شمسی از ۲۰/۲ به ۱۷/۰۱ سال کاهش یافته بود، در فاصله سه سرشماری اخیر روند صعودی پیدا کرده و به ۲۳/۱۹،۸۹/۴ و ۲۷ سال رسیده است. در همه تغییرات بالا، دوره پنج‌ساله مقدم بر سرشماری ۱۳۹۰ هجری شمسی بیشترین مقدار افزایش را نشان می‌دهد. به عبارت دیگر، در حالی که در سرشماری‌های ۱۳۸۵ هجری شمسی نصف جمعیت کشور کمتر از ۲۳/۹ سال داشتند، در حال حاضر نصف جمعیت کشور بیش از ۲۷ سال سن دارد (مهریار، همان: ۳۷).

۴. ترکیب شغلی: ساختار شغلی جمعیت معرف توزیع نیروهای انسانی و جمعیت فعال و شاغل جامعه در بین بخش‌های عمده اشتغال، یعنی کشاورزی، صنعت و خدمات است (حافظ‌نیا، ۱۳۹۰: ۱۸۳) از نظر کولین کلارک میزان پیشرفت و توسعه اقتصادی هر کشوری به تعداد کسانی که در هر یک از این سه بخش عمده کشاورزی، صنعتی و خدماتی مشغول به کار هستند، بستگی دارد. رابطه جمعیت و اقتصاد در سطوح خرد و کلان، یکی از مقولات مورد توجه در سیاست‌های جمعیتی است. بررسی تحولات اقتصادی در کشور می‌تواند در شناسایی بهتر تغییرات جمعیتی مفید بوده و در ارائه راهکارهای عملی برای حل مسائل جمعیتی مؤثر افتد (جوان، ۱۳۹۰: ۵-۲۳۴).

۵. ترکیب دینی و مذهبی: از منظر مذهب، جمعیت ایران با اکثریت ۹۹ درصدی مسلمان، ۸۹ درصد آن شیعه و بقیه آن اهل تسنن‌اند. پس از مسلمانان بقیه جمعیت ایران را پیروان ادیان دیگر تشکیل داده‌اند که مسیحیت با ۰/۱۳ درصد بیشترین فراوانی را داشته و در مرتبه بعدی به ترتیب، زرتشتیان، یهودیان و پیروان ادیان دیگر با نسبت‌های ناچیزی (کمتر از ۰/۰۵ درصد) قرار دارند (محرابی و دیگران، ۱۳۹۲: ۱۵۹).

جدول (۶) - جمعیت ایران به تفکیک دین در سال‌های ۱۳۹۰ و ۱۳۹۵ هجری شمسی

شوخ	۱۳۹۰	۱۳۹۵
مسلمان	۷۴/۶۸۲/۹۳۸	۷۹/۵۹۸/۰۵۴
مسیحی	۱۱۷/۷۰۴	۱۳۰/۱۵۸
کلیمی	۸/۷۵۶	۹/۸۲۶
زرتشتی	۲۵/۲۷۱	۲۳/۱۰۹
سایر	۴۹/۱۰۱	۴۰/۵۵۱
جمع	۷۵/۱۴۹/۶۶۹	۷۹/۹۲۶/۲۷۰

۶. **ترکیب قومی و زبانی:** این ترکیب معرف توزیع جمعیت بین گروه‌های قومی، فرهنگی و زبانی متفاوت می‌باشد. ترکیب قومی نیز به دلیل رقابت‌های بین گروه‌های قومی اقلیت و اکثریت و نیز بین اقلیت‌ها و حکومت‌ها و همچنین تأثیرگذاری ساختار قومی ملت بر شکل‌گیری نظام سیاسی و الگوی پخش فضایی قدرت سیاسی، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای می‌باشد. درباره ترکیب قومی ملت ایران این برآوردها حاصل می‌شود: جمعیت فارس‌ها حدود ۷۳ الی ۷۵ درصد، آذری‌ها حدود ۱۵ الی ۱۷ درصد و ترکمن‌ها حدود ۲/۱ درصد جمعیت ایران است. حدود ۵/۳ الی ۵ درصد از جمعیت به سومین گروه قومی، یعنی کردهای سنی و شیعه غرب کشور اختصاص دارد. پس از آن‌ها به ترتیب قوم عرب در جنوب غربی کشور با حدود ۳ درصد و قوم بلوچ در جنوب شرقی کشور با حدود ۲ درصد از کل جمعیت قرار دارند. درباره کمیت و نسبت اقوام ایرانی آمار مشخصی وجود ندارد (حافظنیا، ۱۳۹۵: ۱۴۷).

۷. **پراکندگی و توزیع جغرافیایی جمعیت:** نحوه توزیع جمعیت در سطح یک سرزمین ملی می‌تواند ثبات و امنیت آن را تحت تأثیر قرار دهد. وجود تجمعی از انسان‌ها در نواحی داخلی و جمعیت پراکنده‌تری در نواحی مرزی یک کشور توزیع مطلوبی به شمار می‌رود و ارتباط با ساکنان کشورهای خارجی را به حداقل می‌رساند. به نظر می‌رسد که توزیع سطحی و یکنواخت جمعیت بهترین الگوی توزیع جمعیت در رابطه با توسعه همه‌جانبه، بقای یک کشور و حفظ امنیت ملی و داخلی آن باشد. توزیع نقطه‌ای و پراکنده جمعیت، اگر با تفاوت‌های فرهنگی و قومی-زبانی همراه باشد و در صورتی که همین تنوع قومی-زبانی از گستردگی فضایی در ماورای مرزهای ملی نیز برخوردار باشد، در آن صورت بزرگ‌ترین تهدید امنیتی آن کشور به حساب می‌آید؛ چرا که بیشترین ارتباط فضایی، فرهنگی و زبانی آن گروه جمعیتی با خارج از مرزهای ملی برقرار خواهد بود (همان: ۱۳۷). در کشور ایران با توجه به وسعت زیاد آن، جمعیت موجود به‌طور متوازن توزیع نشده است، به‌گونه‌ای که در برخی از مناطق، مانند تهران، سواحل دریای مازندران و مناطق شمال غرب کشور، جمعیت زیادی زندگی می‌کنند و در مناطقی، مانند کویرهای داخلی

ایران یا مناطق کوهستانی، تراکم جمعیت به حداقل می‌رسد. در توجیه علل تغییرات تراکم جمعیت در استان‌های مختلف، علاوه بر عوامل طبیعی، اقتصادی، اجتماعی و ...، وسعت استان‌ها و ناهم‌هنگی تقسیمات کشوری بر اساس نواحی طبیعی جغرافیایی، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند (قدیری و همکاران: ۱۳۹۲: ۶۳).



شکل (۱) توزیع نسبی جمعیت ایران ۱۳۹۵ هجری شمسی منبع مرکز آمار ایران

۸. مهاجرت: مهاجرت را می‌توان مجموعه‌ای از فرآیندها با ابعاد مختلف دانست که به عبور از مرزهای سیاسی کشور، به صورت فردی، خانوادگی و گروهی اشاره دارد (Waters, 2009: 298)؛ به طوری که این حرکت به اقامت آن‌ها در موقعیت جدید جغرافیایی بینجامد (Boyle, 2009: 103). در طی دو قرن اخیر عامل مهاجرت خارجی در تغییرات جمعیتی ایران نقش چندانی نداشته است؛ اما مهاجرت‌های داخلی با شدتی بی‌سابقه ادامه یافته و به گسترش شهرنشینی و تمرکز جمعیت در استان‌های خاص منجر

شده است. تمرکز بیش از دوسوم جمعیت در شهرها و کلان‌شهرها که طبق سرشماری اخیر بیش از ۳۰٪ جمعیت کشور را در برمی‌گیرد، نتیجه مداومت مهاجرت‌های داخلی به‌خصوص مهاجرت از روستاها به شهرها است. در مورد مهاجرت ایرانیان به خارج از کشور در سرشماری‌های ۳۰ سال گذشته، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در مورد اتباع خارجی مقیم ایران، افزایش تعداد اتباع خارجی در ایران از سرشماری ۱۳۶۵ هجری شمسی به بعد کاملاً محسوس است. عده این گروه که در سرشماری ۱۳۶۵ هجری شمسی اندکی کمتر از یک میلیون نفر بود، در سرشماری ۱۳۹۵ هجری شمسی به بیش از ۱/۵ میلیون نفر رسیده بود که بیش از ۸۵٪ در صد آن‌ها را اتباع افغانستان تشکیل می‌دادند. بقیه ۳ درصد عراقی و ۸/۳ درصد بدون تابعیت مشخص بودند (مهریار، همان: ۵۲).

جدول (۷) - جمعیت اتباع خارجی سرشماری شده در ایران

سال	افغانستان	عراق	پاکستان	سایر کشورها	نامعلوم
۱۳۶۵	۷۵۵/۲۵۷	۸۴/۱۰۹	۱۳/۳۶۰	--	۶۲/۶۳۸
۱۳۷۵	۸۰۴/۴۰۴	۱۷۵/۰۶۱	۸/۸۳۶	۱۲/۴۶۶	۹۶/۴۹۳
۱۳۸۵	۱/۲۱۰/۱۶۴	۴۴/۰۴۹	۱۵/۴۴۷	۳۳/۲۸۱	۲۹۳/۰۷۹
۱۳۹۰	۱/۴۵۲/۵۱۳	۵۱/۵۰۶	۱۷/۷۳۱	۲۵/۹۲۹	۱۴۰/۵۱۶
۱۳۹۵	۱/۵۸۳/۹۷۹	۳۴/۵۳۲	۱۴/۳۲۰	۲۱/۵۵۷	۱۰۵/۰۶۰

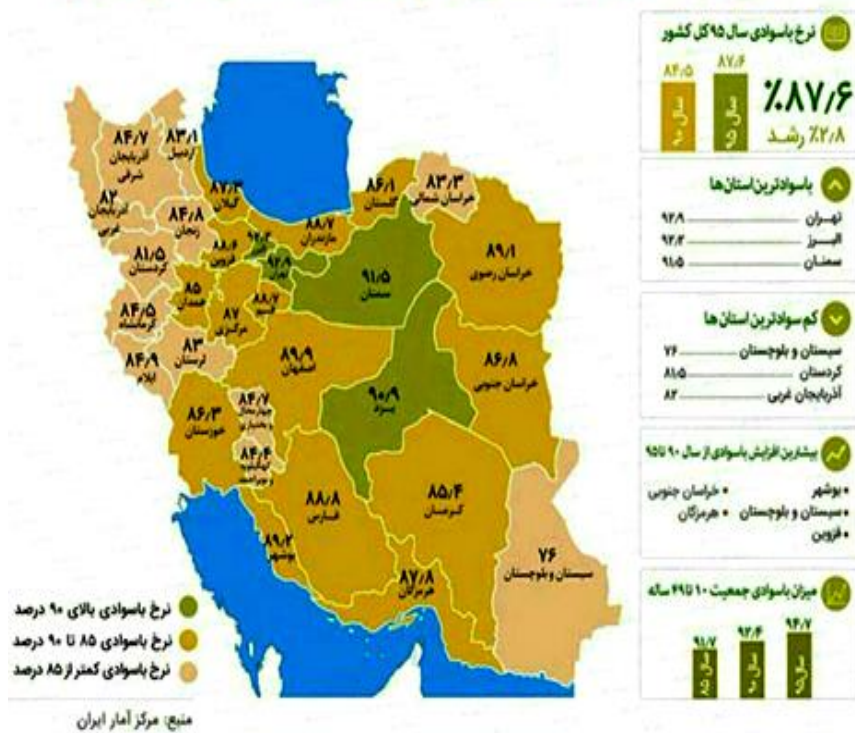
تارنمای مرکز آمار ایران-۱۳۹۵

ب) متغیرهای کیفی جمعیت

ویژگی‌های کیفی جمعیت در تولید و گسترش قدرت ملی و امنیت ملی اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند. کیفیت جمعیتی ناظر بر ویژگی‌های متعددی است که وجود آن سرچشمه قدرت، پیشرفت، امنیت، آسایش و رفاه ملی خواهد بود. در غیر این صورت، جمعیت غیر کیفی ولو با تعداد بسیار کم سرچشمه ضعف، عقب‌ماندگی، ناامنی، رنج و مصیبت ملی خواهد شد که چنین وضعی را در کشورهای آفریقایی شاهد هستیم (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۷۹). برخی از ویژگی‌های کیفی جمعیت عبارت‌اند از:

۱. **سطح سواد و تحصیلات:** سطح تحصیلات در قالب شاخص‌هایی چون سطح گسترش آموزش عمومی، بالا بودن نسبت فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به جمعیت، بالا بودن سطح دانش فنی جمعیت و غیره خواهد بود و به گسترش سطح تفکر، خلاقیت، مهارت، حساسیت نسبت به امور ملی و غیره می‌انجامد. از دیدگاه ژئوپلیتیک، تنها انسان ماهری که دارای هدف است و به لحاظ کیفی از وضعیت مناسبی برخوردار می‌باشد، مورد نظر است، زیرا اگر انسان‌های ساکن یک کشور از قدرت تجزیه و تحلیل خوبی برخوردار نباشند، نمی‌توانند موقعیت موجود را درک کنند و در نتیجه آن، امکان توسعه و امنیت پایدار و کامل برای آن جامعه وجود نخواهد داشت. برای همین چنین کشورهایی همیشه با مشکل بی‌ثباتی دست به گریبان‌اند (عزتی، ۱۳۹۴: ۹۵).

نقشه باسوادی جمعیت ۶ ساله و بیشتر به تفکیک استان‌ها در سال ۹۵



شکل (۲) توزیع جمعیت باسواد کشور در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی منبع مرکز آمار ایران

۲. **سلامت بودن:** سلامت جسمی و روحی در قالب شاخص‌هایی چون بالا بودن «امید به زندگی»، نسبت تحت بیمارستانی و پزشک به جمعیت، سرانه آب آشامیدنی سالم، سرانه میزان مواد غذایی، تسهیلات بهداشتی، پایین بودن میزان مرگ و میر و نظایر آن می‌باشد.

۳. **سطح زندگی:** شاخص توسعه‌یافتگی یک کشور است که در قالب دسترسی به نوآوری‌های فنی و فناوریک، استانداردهای زیست، دسترسی به الگوهای پیشرفته آموزش و پرورش، ارتباطات و استانداردهای بالای مصرف و غیره مشخص می‌شود (محرابی و همکاران، همان: ۱۵۲).

۴. **رابطه انسان و جغرافیا (حس تعلق مکانی):** بدون تردید، هستی انسان از احساس مکانی او قابل تفکیک نیست. در واقع انسان ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جستجو می‌کند و تعلق به مکانی دارد که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تأمین شود. بارزترین نمود حس تعلق مکانی در هر ملتی در ماهیت اندیشه «میهن دوستی» آن ملت خود را نشان می‌دهد. میهن‌خواهی یا میهن‌دوستی تا آن اندازه طبیعی و غریزی است که گاه با تعلقات معنوی انسان درمی‌آمیزد و جنبه‌ای الهی به خود می‌گیرد و به‌گونه مفهومی مقدس درمی‌آید. چنان که در اسلام آمده است «حب الوطن من الایمان» (مجتهدزاده، ۱۳۹۲: ۷۰).

۵. **همگونی یا ناهمگونی جمعیت:** مشکلات، کشمکش‌ها و جدایی‌گزینی‌ها بین گروه‌های ملی زمانی بروز می‌کند که افراد ساکن در قلمروی یک کشور، با وجود اینکه از نظر حقوقی و قانونی شهروند محسوب می‌شوند و نیز از حقوق شهروندی برخوردارند، اما احساس یگانگی ملی نکنند. در واقع دولت‌ها و کشورهایی که دارای ملت بسیط و یکپارچه یا تک‌قومی می‌باشند، از انسجام ملی به‌عنوان عامل قدرت‌آفرین برخوردارند. در جهان امروز نمونه‌های انگشت‌شماری از دولت-ملت‌های خالص و یکدست وجود دارند. کشورهای چندملیتی روی نقشه جهان بسیار متداول‌ترند، این کشورها ترکیبی از ملیت‌های مختلفی هستند که در یک واحد سیاسی قرار داشته و انسجام یا عدم انسجام آن‌ها در آینده مشخص نیست. در واقع حضور ملیت‌های گوناگون در یک کشور، نیروی گریز از مرکزی به حساب می‌آید که در صورت عدم توجه کافی به حقوق اقلیت‌ها، این نیروها نه تنها

توانایی به چالش کشیدن اساس حکومت‌های مرکزی را دارند، بلکه می‌توانند اساس هویت و امنیت ملی را نیز به خطر اندازند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

۶. **ارزش‌های فرهنگی مردم:** فرهنگ را می‌توان به‌عنوان میراث اجتماعی یک جامعه به حساب آورد. این میراث نه تنها شامل تمام کالاها و ابداعات مادی است، بلکه تولیدات فکری و روحی؛ مانند عقاید، ارزش‌ها، باورها و تمایلات را نیز در برمی‌گیرد. فرهنگ پدیده‌ای فطری نبوده و همراه با رشد فرد در درون یک جامعه فرهنگی رشد پیدا می‌کند. در هر کشوری فرهنگ پایدار و توسعه‌یافته، مهم‌ترین عامل در تأمین وحدت ملی است. در همین راستا قدرت‌های بزرگ همواره سعی در خنثی‌سازی این پایه‌های نیرومند قدرت ملی در کشورهای جهان سوم دارند. آن‌ها با ترویج فرهنگ‌های بی‌بندوباری، خرافاتی و مخرب در بین مردم یک کشور ایجاد بی‌تفاوتی کرده، آرمان‌های ملی و مقدسات ذهنی و عقیدتی آن‌ها را رقیق می‌سازند (تهامی، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

۷. **فرهنگ سیاسی مردم:** فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از باورها، بینش‌ها، پیش‌فرض‌ها، علایق و رفتارهای یک ملت نسبت به امور سیاسی؛ مانند حکومت، قدرت، رابطه ملت و حکومت، روابط خارجی، امنیت و نظایر آن‌هاست (حافظ‌نیا، ۱۳۹۵: ۱۹۳) که در طول زمان شکل گرفته و تحت تأثیر وقایع، روندها و تجربیات تاریخی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود و در قالب آن‌ها، نهادها، رفتارها، ساختارها و کنش‌های سیاسی برای نیل به هدف‌های جامعه شکل می‌گیرند. پس با توجه به اینکه مردم و حکومت چه نوع رفتار و رویکردی نسبت به هم داشته باشند، واکنش مردم در مقابل قدرت چگونه باشد، در روابط خارجی، ایده‌آل مورد نظر آن‌ها چه چیزی باشد و موارد مشابه آن کاملاً در امنیت ملی کشور و بقای آن تأثیرگذار خواهند بود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

۸. **سطح روحیه ملی:** این خصیصه کیفی با فرهنگ عامه و زیرساخت‌های باور عمومی گره خورده و با شاخص‌هایی؛ نظیر امید به آینده، شجاعت، پشتکار، شادابی، نوگرایی و همگرایی همراه است. برخی از ملت‌ها قدرت را مرهون روحیه ملی مشتعل بر شاخص‌های مزبور می‌دانند (محرابی و دیگران، همان: ۱۵۲).

۹. بصیرت: بصیرت به معنای شناخت حقیقت و قدرت درک صحیح امور و دشمن‌شناسی می‌باشد. مقام معظم رهبری در توصیف مفهوم بصیرت به منزله دشمن‌شناسی می‌فرماید: «باید نقش دشمن را ببیند. یکی از لوازم توجه و ملاحظه برای ضربه نخوردن، دیدن دشمنی است که می‌خواهد به ما ضربه بزند؛ از این ما را نباید غافل کنند. خط اغفال، به‌خصوص خواص و نخبگان از تأثیر دشمن یکی از خطوط القایی و تبلیغاتی دشمن است... نایستی از دشمنی دشمن غفلت کرد... باید بصیرت داشت» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۸۷/۲).

۹. شجاعت: شجاعت یکی از صفاتی است که در اخلاق فردی، جمعی و سیاسی مورد توجه آموزه‌های اسلامی بوده است. در این باره مقام معظم رهبری می‌فرماید: «شجاعت در برابر هیبت دشمن جزء شاخص‌هاست. در مقابل دشمن اگر مسئولان کشور احساس رعب و خوف بکنند، بر سر ملت بلاهای بزرگ خواهد آمد. آن ملت‌هایی که ذلیل و مقهور دست دشمن شدند، عمده علت این بود که مسئولان و پیشروان قافله ملت، شجاعت لازم، اعتماد به نفس لازم را نداشتند» (بیانات مقام معظم رهبری - ۱۳۷۹/۲۴).

جمعیت و امنیت ملی

از گذشته‌های دور این عقیده مطرح بوده است که امنیت هر کشوری معادل و مساوی قدرت ملی آن کشور است و با افزایش قدرت ملی، امنیت ملی نیز افزایش می‌یابد. از این دیدگاه، کثرت نیروها و تجهیزات نظامی بیانگر بالا بردن میزان قدرت و در نتیجه امنیت ملی است. امروزه این باور دگرگون شده است و لذا اعتقاد اکثر محققان و نظریه‌پردازان سیاسی و نظامی این است که دیگر امنیت ملی، یک فرآیند یک‌بعدی نیست که فقط از طریق افزایش قدرت نظامی تأمین گردد، بلکه فرآیند کلی و همه‌جانبه‌ای است که از طریق افزایش تمام ابعاد قدرت ملی و ایجاد توازن در آن‌ها، تأمین و حفظ می‌گردد؛ بنابراین برای تأمین و حفظ امنیت ملی علاوه بر چندبعدی بودن آن، باید ارتباط ابعاد آن را با ابعاد گوناگون قدرت ملی و توازن و تناسب میان این عوامل را در نظر گرفت. به‌طور کلی بین قدرت ملی و امنیت ملی رابطه‌ای مستقیم و همیشگی برقرار است؛ یعنی هرچه بر میزان توانایی و قدرت کشوری افزوده شود، امنیت آن کشور نیز افزایش می‌یابد. قدرت ملی، مؤثرترین ابزار تأمین امنیت ملی محسوب می‌شود. با همه پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید

جنگ‌افزارها پدید آمده است، کمیت جمعیت به‌عنوان یک عامل تعیین‌کننده در قدرت ملی کشور به‌ویژه در بعد نظامی ایفای نقش می‌نماید. جمعیت به‌عنوان منبع نیروی نظامی و دفاعی، منبع نیروی کار و تولید، ذخیره نیروی جنگی به‌هنگام بسیج توده‌ای ملت و سرچشمه روحیه ملی پشتوانه قدرت ملی شناخته می‌شود (روشندل، ۱۳۹۴: ۷۱). جمعیت در شکل، اندازه، روندها و ساختمان آن بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. ترکیب و ساختمان جمعیت با قدرت ملی ارتباط دارد. مثلاً درصد جمعیت در گروه سنی تولیدکنندگی که معمولاً بین ۱۸ تا ۴۵ سال است، برای قدرت ملی اهمیت دارد؛ زیرا بالا بودن نسبت جمعیت در این فاصله سنی باعث تأمین نیروی نظامی، صنعتی و همچنین تولید نسل می‌شود.

ترکیب قومی و فرهنگی جمعیت که الگوی ملت را در یک کشور شکل می‌دهد نیز بر قدرت ملی تأثیر می‌گذارد. کشورهایی که دارای ملت بسیط و یکپارچه یا تک‌قومی می‌باشند از انسجام ملی به‌عنوان عامل قدرت‌آفرین برخوردارند. ولی کشورهایی که چندقومی بوده و اقوام در پهنه کشور به‌طور مشخص و متمایز استقرار یافته‌اند، معمولاً دچار فرآیندهای رقابت و کشمکش شده و تفرقه ملی و حتی تجزیه کشور را به همراه دارند (میرحیدر، ۱۳۹۳: ۱۲۶). ترکیب و ویژگی‌های جمعیت، در موقعیت دولت در عرصه سیاست بین‌الملل و ایفای نقش مؤثر آن بسیار تعیین‌کننده است؛ به‌گونه‌ای که کم و کیف جمعیت لازم و ملزوم یکدیگرند. در این مورد، باید به سطح سواد، مهارت، اطلاعات، رفاه و... اشاره کرد. وجود شکاف‌های گوناگون مذهبی، نژادی، قومی، اجتماعی، جنسی، اقتصادی، نسلی و همچنین ترکیب ناهمگون جمعیت، ممکن است در موقعیت و کارکرد دولت تأثیر به‌سزایی بگذارد. امروزه قدرت واقعی که بتواند امنیت‌ساز و تأمین‌کننده باشد، فقط هنگامی محقق می‌شود که علاوه بر متناسب بودن تعداد جمعیت با وسعت کشور، آن جمعیت دارای اندیشه بوده، از مهارت، آموزش و تعالی فکری برخوردار باشد؛ یعنی افزون بر کمیت لازم، کیفیت مطلوب نیز داشته باشد. امروزه قدرتمندی و امنیت هر کشوری در گرو جمعیت پایدار آن است و به‌خصوص به نیروی انسانی آگاه و کارساز آن مربوط است

که با مدیریت صحیح از محیط و جمعیت، بهره‌مندی و بهره‌وری درست و گسترده به عمل آورد (همان: ۵۶۲).

الگوی مفهومی تحقیق



شکل شماره (۳) الگوی مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

پژوهش حاضر از نوع کاربردی-توسعه‌ای و از نظر روش اجرا توصیفی-پیمایشی است.

یافته‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این پژوهش با توجه به اهداف آن، متغیرهای مورد نظر در دو دسته کمی و کیفی دسته‌بندی شده‌اند. متغیرهای مورد نظر در قالب پرسشنامه توسط ۳۰ نفر از خبرگان و افراد صاحب‌نظر در حوزه امنیت ملی و جمعیت تکمیل شده است. لازم به توضیح است با توجه به اینکه به دنبال شناخت تأثیرگذارترین متغیرهای کمی و کیفی جمعیت بر امنیت ملی در این پژوهش هستیم، جامعه نمونه این پژوهش ضرورتاً می‌بایست افرادی انتخاب شوند که رویکرد تخصصی به این حوزه داشته باشند. بر همین اساس نمونه انتخابی به صورت هدفمند انتخاب شده و پاسخگویان با توجه به تخصص و آگاهی خود در ارتباط با موضوع مورد پرسش، به اظهار نظر پرداخته‌اند. پرسشنامه‌ها براساس طیف لیکرت تهیه شده است.

در این طیف پاسخ‌های مربوط به هر گویه در پنج مقوله تنظیم شده که گرایش کاملاً مثبت یا موافق و کاملاً منفی یا مخالف و همچنین گرایش‌های متوسط یا خنثی را نشان می‌دهند. در اینجا گویه‌های استفاده‌شده هم‌وزن هستند و شدت و ضعف هر گویه نیز قابل تعیین است. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، مرحله کدگذاری آن‌ها و سپس وارد کردن اطلاعات حاصل به دست‌آمده در نرم‌افزار SPSS انجام گرفت. با توجه به آنکه در این پژوهش با دو دسته داده‌های پارامتری و ناپارامتری مواجه بودیم، جهت دستیابی به نتایج مطلوب برای داده‌های پارامتری از روش میانگین و برای داده‌های ناپارامتری از آزمون Friedman استفاده کرده‌ایم. تحلیل و تفسیر نتایج هر بخش نیز در ادامه به صورت جداگانه ذکر شده است.

الف. متغیرهای کمی

جدول (۸) نتایج میانگین متغیرهای کمی

ردیف	متغیر	تعداد	میانگین
۱	رشد جمعیت	۳۰	۴,۵
۲	ترکیب دینی و مذهبی جمعیت	۳۰	۴,۵
۳	ترکیب قومی و زبانی جمعیت	۳۰	۴,۴
۴	جوانی جمعیت و دگرگونی نسلی	۳۰	۴,۴
۵	کاهش جمعیت	۳۰	۴,۳
۶	مهاجرت جمعیت	۳۰	۴,۱
۷	ترکیب جنسی جمعیت	۳۰	۴
۸	ترکیب سنی جمعیت	۳۰	۳,۹
۹	ترکیب مکانی جمعیت (پراکندگی و توزیع جغرافیایی)	۳۰	۳,۵
۱۰	ترکیب شغلی جمعیت	۳۰	۳,۱

نتایج به دست‌آمده در بخش مربوط به متغیرهای کمی بیانگر آن است که رشد جمعیت و ترکیب دینی و مذهبی جمعیت با میانگین ۴,۵ درصد دارای بیشترین فراوانی بوده‌اند؛ در این بخش با توجه به استفاده از طیف لیکرت، بالاترین حد نمره ۵ و پایین‌ترین نیز ۱ است. نتیجه حاصل شده در این بخش نشان‌دهنده آن است که از نظر افراد مورد بررسی، رشد جمعیت و ترکیب دینی و مذهبی مؤثرترین متغیرهای کمی بر امنیت ملی هستند. از نظر

صاحب‌نظران مورد ارزیابی، ترکیب شغلی جمعیت با ۳,۱ درصد نمره میانگین، نسبت به سایر متغیرهای مورد بررسی کمترین تأثیر را بر امنیت ملی دارا بوده است.

ب. متغیرهای کیفی

جدول (۹) - نتایج میانگین رتبه متغیرهای کیفی

ردیف	متغیر	تعداد	میانگین
۱	تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان	۳۰	۷,۴۳
۲	بصیرت جمعیت	۳۰	۷,۳۵
۳	ارزش‌های فرهنگی جمعیت	۳۰	۶,۷۰
۴	حس تعلق مکانی (حس میهن‌دوستی جمعیت)	۳۰	۶,۴۳
۵	رفاه و سطح زندگی جمعیت	۳۰	۶,۲
۶	شجاعت	۳۰	۵,۸۷
۷	سلامت و بهداشت جمعیت	۳۰	۵,۵۸
۸	همگونی و ناهمگونی جمعیت	۳۰	۵,۵۳
۹	سطح روحیه ملی جمعیت	۳۰	۵,۴۳
۱۰	سطح فرهنگ سیاسی جمعیت	۳۰	۵,۳۸
۱۱	سطح سواد و تحصیلات جمعیت	۳۰	۴,۲۷

جدول (۱۰) - نتایج آزمون فریدمن

N	۳۰
Chi-Square	۳۳,۷۲۸
Df	۱۰
Asymp.Sig.	.۰۰۰

نتایج بخش متغیرهای کیفی نشان می‌دهد که متغیرهای تغییرات جمعیتی در حوزه نخبگان و بصیرت جمعیت از حیث میانگین رتبه‌ای دارای بالاترین نمره میانگین (به ترتیب ۷,۴۳ و ۷,۳۵ درصد) نسبت به سایر متغیرها هستند و سطح سواد و تحصیلات جمعیت از نظر پاسخگویان با ۴,۲۷ درصد امتیاز کمتری نسبت به سایر متغیرها کسب کرده است. نتایج

جدول شماره (۱۰) نیز بیانگر آن است که آزمون فردیمن با کای اسکویر ۳۳,۷۲۸ و سطح معناداری ($\text{Sig}=.۰۰۰$) در سطح ۹۹ درصد اطمینان (یک درصد خطا) معنادار است. به عبارتی می‌توان نتیجه گرفت که بین میزان تأثیر متغیرهای کمی و کیفی جمعیت بر امنیت ملی تفاوت معناداری وجود دارد.

نتیجه‌گیری

افزایش جمعیت یک کشور عامل تعیین‌کننده قدرت ملی محسوب می‌شود. به طوری که با وجود پیشرفت‌هایی که در زمینه تولید ابزار و ادوات جنگی به وجود آمده است، همچنان تعداد جمعیت به لحاظ کمی یکی از عوامل مهمی است که نقش تعیین‌کننده‌ای در قدرت ملی کشورها به لحاظ نظامی ایفا می‌کند. جمعیت زیاد، روحیه اعتمادبه‌نفس، ترس و احترام را تقویت می‌کند. جمعیت در منابع انسانی دارای متغیرهایی است که به تبع آن تعریف می‌شود. در صورتی که جمعیت سالم، عالم و برخوردار از فرهنگ، هنر و تفریح باشد، کثرت جمعیت به‌عنوان مؤلفه قدرت ملی ارزیابی می‌شود؛ مثلاً در کشور هند جمعیت زیاد وجود دارد؛ اما این جمعیت فاقد مؤلفه‌های فوق است؛ بنابراین جمعیت زیادی که گرسنه و فاقد آموزش عالی، تفریح و سلامت باشند، هیچ‌گونه فایده‌ای نداشته و تنها در صورت برخورداری جمعیت از سایر مؤلفه‌ها، نیروی انسانی می‌تواند به‌عنوان شاخص قدرت ملی محسوب شود. جمعیت علاوه بر اینکه در بعد کمی نقش مهمی در قدرت کشورها دارد، در ابعاد کیفی جمعیت نیز متغیرهایی چون ویژگی‌های فرهنگی، سطح سواد، ساختمان جمعیت، وضعیت اشتغال، مهاجرت و ... هستند که در سنجش قدرت ملی کشورها مؤثر هستند. نکته‌ای که در اینجا به نظر می‌رسد توجه به آن نقش مهمی در افزایش قدرت ملی کشورها می‌تواند داشته باشد، این است که افزایش یا کاهش جمعیت در هر شرایطی باید منطقی باشد؛ چرا که جمعیت زیاد صرفاً با وجود شرایط مناسب، بستر لازم و تعادل میان جمعیت و امکانات و فرصت‌ها می‌تواند منبعی مهم در جهت افزایش قدرت دولت باشد، در غیر این صورت ممکن است خود به‌عنوان عامل محدودکننده قدرت دولت به ایفای نقش بپردازد.

فهرست منابع و مآخذ

الف. فارسی

- بیانات مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، نرم‌افزار حدیث ولایت.
- امانی، مهدی (۱۳۸۴)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، تهران، انتشارات سمت.
- تقوی، نعمت‌الله (۱۳۹۵)، *مبانی جمعیت‌شناسی*، چاپ یازدهم، تهران، نشر آیدین.
- تهامی، مجتبی (۱۳۹۰)، *امنیت ملی، دکترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی*، (ج ۱)، چاپ دوم، تهران، سازمان عقیدتی سیاسی ارتش معاونت فرهنگی (مدیریت انتشارات).
- جوان، جعفر (۱۳۹۰)، *جغرافیای جمعیت جوان*، چاپ هشتم، مشهد، جهاد دانشگاهی مشهد.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۵)، *جغرافیای سیاسی ایران*، چاپ هشتم، تهران، سمت.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد، انتشارات پایلی.
- حافظ‌نیا، محمدرضا؛ ولیقلی‌زاده، علی و احمدی‌پور، زهرا (۱۳۸۸)، «بررسی و تحلیل نقش جمعیت در وزن ژئوپلیتیکی ایران»، *فصلنامه مدرس علوم انسانی*، دوره ۱۳، شماره ۱.
- حلم‌سرشت، پروش و دل‌پیشه اسماعیل (۱۳۸۹)، *جمعیت و تنظیم خانواده*، تهران، چهره.
- دانش، پروانه؛ ذاکری نصرآبادی، زهرا و عظیمه سادات عبداللهی (۱۳۹۳)، «تحلیل جامعه‌شناختی شکاف نسلی در ایران»، *فصلنامه جامعه پژوهی فرهنگی*، سال پنجم، شماره سوم.
- روشندل، جلیل (۱۳۹۴)، *امنیت ملی و نظام بین‌المللی*، چاپ یازدهم، تهران، سمت.
- سمیعی‌نسب، مصطفی و ترابی، مرتضی (۱۳۸۹)، «شاخص‌ها و سیاست‌های جمعیتی در ایران»، *فصلنامه برداشت دوم*، سال هفتم، شماره پیاپی ۱۱ و ۱۲.
- صادقی، رسول (۱۳۹۱)، «تغییرات ساختار سنی و ظهور پنجره جمعیتی در ایران پیامدهای اقتصادی و الزامات سیاستی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی زنان*، سال چهاردهم، شماره ۵۵.
- عزیزی ربانی، رسول و فاطمه، کریمی (۱۳۸۲)، «بررسی مسائل حاشیه‌نشینی با تأکید بر جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، دوره ۱۰، شماره ۲۴.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۹۴)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، چاپ پنجم، تهران، سمت.
- علیی، محمدرولی (۱۳۹۴)، نقش جمعیت و سیاست‌های جمعیتی در استحکام ساخت درونی قدرت نظام جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه آفاق امنیت*، سال هشتم، شماره ۲۸.
- فغانی، حجت‌الله؛ صبوری، رضا و شفیع‌نیا، محمد (۱۳۹۱)، «امنیت ملی مفهومی در حال تحول»، *فصلنامه امنیت*، سال دوم، شماره پنجم.
- قدیری معصوم، مجتبی؛ باغبانی، حمید و قدیری معصوم، مطهره (۱۳۹۲)، تحولات جمعیتی در نواحی جغرافیایی ایران و پیامدهای آن، *پژوهش‌های جغرافیایی*، دوره ۴۵، شماره ۴.

- قلی‌زاده، سید ابراهیم (۱۳۸۹)، «تغییر سیاست جمعیتی جمهوری اسلامی ایران و پیامدهای امنیتی آن»، *مجله آفاق امنیت*، شماره ۶.
- -ماندل، رابرت (۱۳۸۷)، *چهره متغیر امنیت ملی*، چاپ سوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متقی، افشین (۱۳۹۴)، تغییرهای ساختاری جمعیتی جمهوری اسلامی ایران: آسیب‌شناسی و ظرفیت‌سنجی مسائل امنیتی، *پژوهش‌های جغرافیایی انسانی*، دوره ۴۷، شماره ۳.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۲)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ چهارم، تهران، سمت.
- محرابی، علیرضا؛ نیکزاد، روح‌الله؛ ساسانی‌پور، محمد (۱۳۹۲)، «تبیین ژئوپلیتیک رشد جمعیت و امنیت ملی ایران»، *فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی*، سال پنجم، شماره ۲.
- مورگنتا، هانس. جی (۱۳۹۳)، *سیاست میان ملت‌ها*، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: وزارت امور خارجه.
- مهریار، امیرهوشنگ (۱۳۹۳)، جمعیت ایران و تحولات آن در نیم‌قرن گذشته (۱۳۹۰-۱۳۳۵)، *فصلنامه سیاست کلان*، سال سوم، شماره ۳.
- میرحیدر، دره (۱۳۹۳)، *مبانی جغرافیای سیاسی*، چاپ بیستم، تهران، سمت.
- مینایی، حسین و یعقوب زهدی (۱۳۹۱)، بررسی میزان تأثیر انسجام اجتماعی و تغییرات جمعیتی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال دهم، شماره ۳۹.
- هاگ، پیتر (۱۳۹۰)، *فهم امنیت در جهان امروز*، مترجم حسین عصاریان‌نژاد، تهران، دانشگاه عالی دفاع ملی.

ب. انگلیسی

- Ackleson, Jason (۲۰۰۵); "Constructing Security on the U.S-Mexico Border", *Political Geography*, No. ۲۴
- Waters, J. L. (۲۰۰۹), "*Immigration*", International Encyclopedia of Human Geography.
- Boyle, P. (۲۰۰۹), "*Migration*", International Encyclopedia of Human Geography.
- United Nation Population Division (۲۰۱۰), UN Projection Report Revised ۲۰۰۲, New York